

جایگاه هارون • در قرآن و تورات

سکینه جمشیدی

(دانش‌آموخته دوره عالی علوم و معارف قرآن و عضو حلقه علمی قرآن دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی)

چکیده

از جمله پیامبران مشترک میان قرآن و تورات، حضرت هارون • است. مفاد گزاره‌های قرآنی و نیز آنچه در کتاب مقدس تورات درباره وی آمده، از جهاتی دارای اشتراکات و نیز تناقضاتی همراه است. از جمله مشترکات می‌توان به جریان برانگیخته‌شدن ایشان برای کمک به امر رسالت برادرشان موسی • و نیز جانشینی آن حضرت در هنگام میقات و سایر موارد نام برد. البته موارد اختلاف آشکاری نیز درباره آن حضرت در دو کتاب مشاهده می‌شود؛ مانند معجزه «تبدیل عصا به مار» که در تورات به هارون • نسبت داده شده؛ اما در قرآن به موسی • و نیز در جریان ساختن گوساله که تورات آن را به هارون، و قرآن به سامری نسبت داده است.

کلیدواژگان: هارون •، موسی •، تورات، قرآن کریم، جانشینی هارون، کتاب مقدس عبری.

مقدمه

بنابر دیدگاه مشهور میان مسلمانان، نرآن کتابی وحیانی و تماماً بدون تحریف است. بدیهی است در سایه تطبیق آموزه‌های قرآن با سایر کتب آسمانی به این مهم، بهتر می‌رسیم. همچنان که می‌دانیم درون‌مایه‌های مشترک بسیاری میان قرآن و تورات به چشم می‌خورد؛ از جمله داستان زندگی پیامبران الهی مانند حضرت هارون که در هر دو مکتوب، شخصیتی بزرگ دارد. در این مقاله برآنیم تا شخصیت و داستان حضرت هارون* را بررسی کنیم و وجوه اشتراک و افتراق را بیان نمائیم. روش تحقیق در این اثر، توصیفی و کتابخانه‌ای است و رویکردی تطبیقی دارد.

۱. مفهوم‌شناسی

هارون، اسمی اعجمی است؛ اصل آن «هارون» در زبان عبری به معنی کوه‌نشین است.^۱ هارون ۳۷۴۵ سال پس از هیوط آدم • متولد شد.^۲ او برادر بزرگتر حضرت موسی • است و با اینکه ولادت وی قبل از موسی بوده؛ اما در قرآن، نام وی به دلیل تقدم نبوت حضرت موسی بعد از وی آمده شده است.^۳

هارون از نسل لاوی و لاوی فرزند یعقوب است. در سفر خروج، شجره‌نامه موسی • و هارون بیان شده است و معلوم می‌شود نام پدر هارون، عمران یا عرام و نام مادرشان یوکابد است که البته در مورد نام مادر ایشان اقوال دیگری همچون افاحیه، نخب و یوخابید نیز آمده است.^۴

جمعی از مورخان و مفسران نیز ذکر کرده‌اند که موسی پسر عمران پسر یصهر پسر قاهت پسر لاوی فرزند یعقوب است، و هارون برادر او بوده از مادر و پدر.^۵

در رابطه با همسر و فرزندان وی نیز در سفر خروج این چنین آمده است: «هارون با الیشاباع دختر عمیناداب و خواهر یخشون (یکی از سران بنی اسرائیل) ازدواج کرد و فرزندان او عبارتند از: ناداب، ابیهو، العاذار و ایتامار»^۶

در منابع حدیثی شیعه نیز نام فرزندان هارون ذکر شده است. مثلاً روایت است که

۱. عبدالحسین شبستری، قصص القرآن الکریم، ص ۶۷۲.

۲. لسان‌الملک میرزا محمدتقی سپهر، ناسخ‌التواریخ، ج ۱، ص ۳۳۳.

۳. جعفر قدس میرحیدری، تاریخ انبیاء (قصص القرآن) از آدم تا خاتم، ص ۳۱۴.

۴. عبدالحسین شبستری، قصص القرآن الکریم، ص ۶۷۳.

۵. محمدباقر مجلسی، تاریخ پیامبران و بعضی قصه‌های آنان، ص ۵۷۹.

۶. خروج ۶: ۲۳.

از امام صادق • در رابطه با هارون سؤال شد و ایشان فرمود: «اسم پسرهای هارون شبر و شبیر بود که تفسیر آنها در عربی حسن و حسین است.»^۱

از علی بن الحسین • نیز درباره نامگذاری امام حسن و امام حسین • هنگام ولادتشان آمده که فرمود: «جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود علی نسبت به تو مانند هارون به موسی است و بعد از تو پیامبری نیست پس اسم فرزندت را بنام فرزند هارون بگذار. پیامبر فرمود نام فرزند هارون چیست؟ جبرئیل گفت: شبر پیامبر فرمود: زبان من عربی است، گفت بگو حسن و در مورد نامگذاری امام حسین نیز که همنام فرزند دیگر هارون یعنی شبیر، به همین صورت آمده است.»^۲

نام هارون در ۱۳ سوره^۳ و ۲۰ آیه از آیات قرآن آمده است. همچنین گزاره‌های قرآنی که مربوط به شخصیت و زندگی ایشان است به ۴۵ آیه می‌رسد.

۲. ویژگی‌ها و فضایل هارون • در قرآن و تورات

خداوند در سوره صافات، حضرت هارون • را در تفضیل منت‌هایش، و در دادن کتاب و هدایت به‌سوی صراط مستقیم و داشتن تسلیم و جزو محسنین بودن و از بندگان مؤمن به خدا یاد کرده است. خداوند می‌فرماید، هارون با موسی • شریک و از مرسلان و در زمره انبیا است و او را از کسانی است که بر آنان انعام شد و خداوند او را با سایر انبیا در صفات جمیل آنان از قبیل احسان، صلاح، فضل، اجتهاد و هدایت شریک قرار داد و یک‌جا ذکر کرد.^۴

۲.۱. رحمت ویژه الهی

قرآن در وصف هارون • او را مصداق هبه و رحمت خاص خدا می‌شمرد: «وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا»؛ «و از رحمت خویش به آنان ارزانی داشتیم، و ذکر خیر بلندی برایشان قرار دادیم.»

همان‌طور که اوصاف کمالی درونی، رحمت است، انسان‌های کامل نیز نسبت به امت‌های اسلامی و انسانی رحمت‌های الهی هستند، تنها آمرزش گناه و بخشش ظاهری رحمت نیست خدا چون وهاب است، هبه‌ای مانند هارون به موسی می‌دهد

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۱.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۴۴.

۳. بقره، نساء، اعراف، یونس، مریم، طه، انبیاء، مؤمنون، فرقان، شعراء، قصص و صافات.

۴. احمد امیری‌پور، تاریخ انبیا از هبوط آدم تا پیامبر اسلام، ص ۱۸۵.

۵. مریم/۵۰.

و چون رحمان و رحیم است، رحمتی مانند هارون دارد، پس هارون هم «رحمةُ الله» است و هم «هبةُ الله» و موسی کلیم با هماهنگی این رحمةُ الله و هبةُ الله، رسالت عظمای خود را به مقصد رساند.^۱

۲.۲. فصاحت، بلاغت، محبوبیت و مقام ولایت

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌هایی که می‌توان برای هارون نبی ذکر کرد، فصاحت و بلاغت در تکلم و امر تبلیغ است که در قرآن و عهد قدیم به چشم می‌خورد. آنگاه که خداوند، حضرت موسی • را برای رسالت و انجام مأموریت فرامی‌خواند وی در توصیف هارون • به درگاه الهی عرضه می‌دارد که: برادرم هارون را که از من فصیح‌تر است به همراه من بفرست تا اگر بنی‌اسرائیل نتوانستند سخن مرا بفهمند، برادرم هارون از من دفاع کرده حجت مرا به آنان تلقین کند و با آنان به احتجاج بپردازد، او زبان وحی را می‌یابد، می‌فهمد و می‌فهماند:^۲ «وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ»^۳ «و برادرم هارون از من زبان‌آورتر است، پس او را با من به دستگیری گسیل دار تا مرا تصدیق کند، زیرا می‌ترسم مرا تکذیب کنند.»

در سفر خروج نیز در این باره آمده است:

«پس موسی به خدا گفت: نه در گذشته و نه در حال، صاحب فصاحت نیستم؛ بلکه بطیء الکلام و کندزبانم... ای خداوند! تمنا اینکه به واسطه هر کس که می‌خواهی بفرستی بفرست و خداوند به موسی گفت: آیا هارون برادر تو نیست؟ من می‌دانم که فصیح‌الکلام است و نیز اینک به استقبال تو بیرون می‌آید و هنگامی که تو را ببیند در دلش شاد خواهد شد.»^۴

آری! هارون نبی، مؤمن به خدا، یکتاپرست، دارای عقیده‌ای راسخ، هوشی سرشار و شجاع بود و در میان قومش وجاهت خاصی داشت.^۵

درباره ویژگی‌های ظاهری هارون در حدیثی به سند حسن از حضرت صادق • منقول است که حضرت رسول • فرمود: چون شب معراج مرا به آسمان پنجم بردند، مردی دیدم در سن کهولت، نه جوان و نه بسیار پیر، در نهایت عظمت بود، چشم‌های

۳ ± 1/2 ۱) دایرةالمعارف طهور (ن) ۲) دایرةالمعارف طهور (ن) ۳) دایرةالمعارف طهور (ن) ۴) دایرةالمعارف طهور (ن) ۵) دایرةالمعارف طهور (ن)

۲. دایرةالمعارف طهور (ن) ۱/۲. ۳. قصص/۳۴.

۴. خروج ۴: ۱۰-۱۴.

۵. عبدالحسین شبستری، قصص القرآن الکریم، ص ۶۷۳.

بزرگ داشت، و در دور او گروه بسیاری از امت بودند پس از جبرئیل پرسیدم که این کیست؟ گفت: آن است که در میان قوم خود محبوب بود، هارون پسر عمران! پس من بر او سلام کردم و او بر من سلام کرد و من از برای او استغفار کردم و او از برای من استغفار کرد.^۱

درباره امر ولایت هارون، باید به نسبتش با امر جانشینی موسی اشاره کنیم. پیامبر اکرم • در یَوْمِ الْعَشِيرَةِ و یَوْمِ الْأَحَدِ و یَوْمِ التَّبُوكِ و برخی مواقع دیگر، فرمود که ای علی • تو نسبت به من همانند هارون به موسی هستی، پس ایمان آورندگان علی را دوست دارند؛ همان طور که اصحاب هارون او را دوست داشتند و نزد موسی کسی همچون هارون دارای ارزش و مقام نبود همانطور که نزد من کسی همچون علی نارای مقام و منزلت نیست و هارون جانشین موسی بود و علی •، جانشین محمد •.

۲,۳. نسل نبوت در بنی اسرائیل

یکی دیگر از ویژگی‌های که می‌توان برای ایشان ذکر نمود، این است که نبوت در بنی اسرائیل از نسل هارون • است.

فضل بن عمر می‌گوید از امام صادق • در رابطه با این آیه که خداوند فرموده است: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْبَأُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۲؛ «و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.» پرسیدم این کلمات چیست؟ فرمود: ... همانا موسی و هارون هر دو پیامبران مرسل و دو برادر بودند و خداوند نبوت را در صلب هارون قرار داد نه موسی، و جایز نیست که کسی بگوید چرا خداوند چنین کرد و همانا امامت نیز خلافت خداوند در روی زمین است و شایسته نیست که کسی بگوید چرا خداوند امامت را در صلب امام حسین • قرار داد نه امام حسن •؛ چرا که خداوند در کارهایش حکیم است.^۳

۲,۴. نبوت و بعثت هارون •

قرآن کریم به پیامبری هارون • تصریح نموده و می‌فرماید: «وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا

۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸.

۲. بقره/۱۲۴.

۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۸۵.

أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا»^۱ «و از رحمت خود برادرش هارون پیامبر را به او بخشیدیم.»
این آیه اشاره است به استجابت دعایی که موسی در اولین بار که در طور به او وحی شد گفته بود: «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي. هَارُونَ أَخِي. اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي. وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي»^۲ «و برای من دستیاری از کسانم قرار ده، هارون برادرم را، پشتم را به او استوار کن، و او را شریک کارم گردان.»

در آیه‌ای دیگر بعد از ذکر داستان‌های انبیا و امت‌های پیشین به‌عنوان الگو و نمونه‌های زنده، نخست سخن از نوح • و سپس پیامبران بعد از نوح به میان می‌آورد و سپس نوبت به موسی و هارون و مبارزات پی گیرشان با فرعون می‌رسد و می‌فرماید: «ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ»^۳ «سپس، بعد از آنان موسی و هارون را با آیات خود، به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم، و [الی آنان] گردن‌کشی کردند و گروهی تبهکار بودند.»
سپس بعد از رسولان پیشین، موسی و هارون را به سوی فرعون و ملا او همراه با آیات و معجزات فرستادیم؛ اما فرعون و فرعونیان از پذیرش دعوت موسی و هارون سر باز زدند و از اینکه در برابر حق سر تسلیم فرود آورند تکبر ورزیدند.

لذا حضرت هارون نیز همانند حضرت موسی بر قوم بنی‌اسرائیل مبعوث گردید؛ زیرا روزی که از جانب خداوند خطاب رسید که: ای موسی مردم بنی‌اسرائیل را از مصر نجات ده و به کنعان آور، موسی گفت: برایم شریکی مقدور فرما و او برادرم هارون باشد و خداوند نیز اینچنین کرد.

این موضوع در سفر خروج چنین آمده است:

«و خداوند به هارون گفت: که به خصوص استقبال موسی به بیابان برود که او روانه شده، او را در کوه استقبال نموده و او را بوسید، موسی تمامی سخنان خداوند که به او فرستاده بود را به هارون بیان کرد و هم تمامی علاماتی را که او را امر فرموده بود پس موسی و هارون روانه شده تمامی مشایخ بنی‌اسرائیل را جمع کرده و هارون تمامی کلماتی را که خداوند به موسی فرموده بود بیان کرد و هم آیات را در حضور قوم به‌جا آورد.»^۴

۱. مریم/۵۳.

۲. طه/۲۹-۳۲.

۳. یونس/۷۵.

۴. خروج، ۴: ۲۷-۳۰.

بنابر گزارش تورات درباره همکاری موسی و هارون در کار پیامبری، باید گفت که موسی • چون به پیامبری برگزیده شد، فرمان یافت نزد فرعون برود. او ابتدا بهانه آورد که گندزبان است و به‌درستی نمی‌تواند سخن بگوید پس خداوند بر او خشم گرفت و گفت: مگر نمی‌دانم که برادرت هارون گشاده‌زبان است! اکنون او را به یاری تو خواهیم فرستاد و تو با زبان او سخن خواهی گفت و او زبان تو خواهد بود.^۱

در جایی دیگر از سفر خروج می‌خوانیم که: «اینک بنی اسرائیل سخنم را نمی‌شنوند، پس چگونه فرعون مرا بشنود، حال آنکه من مردی گندزبانم.»^۲

اما داستان در قرآن محترمانه و به‌گونه‌ای دیگر است و این موسی است که چون به پیامبری برگزیده می‌شود از خدا می‌خواهد تا هارون را همراه او سازد:

«وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي. هَارُونَ أَخِي. اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي. وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي. كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا. وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا. إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا. قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى»؛^۳

و برای من دستیاری از کسانم قرار ده، هارون برادرم را، پشتم را به او استوار کن، و او را شریک کارم گردان، تا تو را فراوان تسبیح گوئیم، و بسیار به باد تو باشیم، زیرا تو همواره به [حال] ما بینایی. فرمود: ای موسی، خواسته‌ات به تو داده شد.^۴

و اینچنین است که خداوند نیز درخواست او را می‌پذیرد و می‌فرماید: به آنچه خواستی رسیدی:

«وَإِخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلَهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ. قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكَ مَلَأْنَا فَلَآ يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمْ وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ»؛^۴ «و برادرم هارون از من زبان‌آورتر است، پس او را با من به دستیاری گسیل دار تا مرا تصدیق کند؛ زیرا می‌ترسم مرا تکذیب کنند. فرمود: «به زودی بازویت را به [وسیله] برادرت نیرومند خواهیم کرد و برای شما هردو، تسلطی قرار خواهیم داد که با [وجود] آیات ما، به شما دست نخواهند یافت شما و هر که شما را پیروی کند چیره خواهید بود.»

بدین ترتیب آشکار است که در تورات این پروردگار است که از موسی • می‌خواهد تا به برادرش هارون • پناه برد؛ حال آنکه در قرآن کریم موسی برای انجام‌دادن آن

۱. خروج، ۴: ۱۰-۱۶.

۲. خروج، ۶: ۱۲.

۳. طه، ۲۹/۴-۲۶.

۴. قصص، ۳۴-۳۵.

عمل مهم از خداوند درخواست می‌کند تا برادرش را یار و همراه او گرداند. به عبارت دیگر، در قرآن کریم موسی از آن‌رو که برادرش بیانی شیوا و کلامی رسا داشته، از خداوند برای وی طلب نبوت می‌کند.^۱

همچنان‌که در گذشته نیز آمد، در روایات متعدد اسلامی زجمله «حدیث منزلت»، نسبت حضرت علی • به پیامبر اسلام • مانند نسبت هارون به موسی تشبیه شده با این تفاوت که هارون پیامبر بود اما حضرت علی • نه.^۲ اما یهود ادعا می‌کند که هارون پیامبر نبوده؛ بلکه کاهن اعظم قومش و نگهبان مقدسات (کفیل و هیکل مقدس) بوده است. آنها همچنین ادعا می‌کنند که عصایی که به مار تبدیل شد از موسی نبود؛ بلکه به هارون برمی‌گردد و گمان می‌کنند که خداوند هنگام وفات هارون به موسی امر کرد که لباس کاهن اعظم را از تن او بیرون آورده و به فرزندش الیعاز بن هارون بیوشاند.^۳

۲.۵. معجزات هارون •

در آیات قرآن کریم ظاهراً برای حضرت هارون • معجزه‌ای ذکر نشده؛ در حالی که در تورات آمده که هارون نیز مانند موسی • معجزه می‌کند. مثلاً در گزارش تورات، عصایی که به معجزه ازدها می‌شود عصای هارون است نه موسی. چنان‌که در سفر خروج می‌خوانیم:

«و خداوند به موسی و هارون متکلم شده و گفت هنگامی که فرعون به شما بدین مضمون می‌گوید که به جهت ادعای خود معجزه را بنمائید. آنگاه به هارون بگو که عصایت را بگیر و به حضور فرعون انداز که ماری شود. پس موسی و هارون نزد فرعون آمدند و آن‌طور که خدا فرمود عمل نمودند و هارون عصای خود را در حضور فرعون و هم بندگان‌ش انداخت که ماری شد.»^۴

اما در گزارش قرآن کریم این موسی • است که عصا را بر زمین می‌اندازد و مار ازدها می‌شود.

علاوه بر این معجزات دیگری نیز برای هارون ذکر شده، همچنان‌که آمده است: «خداوند به موسی • گفت که به هارون • بگو که عصای خود را گرفته، دستت را

۱. محمد بیومی‌مهران، بررسی تاریخ قصص در قرآن، ترجمه سید محمد راستگو، ج ۲، ص ۴۱۷.

۲. حبیب‌الله اکبر پور، از آدم صفی‌الله تا محمد رسول‌الله (قصه‌های قرآن)، ص ۲۷۷.

۳. سید عبدالحسین شبستری، اعلام‌القرآن، ص ۱۰۶.

۴. خروج، ۷: ۸-۱۰.

بر آبهای مصر بالای نهرها و رودها و حوضها و تمامی مجمع آبها دراز کن تا خون شود و در تمامی زمین مصر هم در ظرف چوبین و ظروف سنگی خون خواهد شد و موسی و هارون چنین کردند.^۱

قرآن از خون بدون هیچ تفصیل تکمیلی یاد می‌کند و در مورد این خون فروز زیادی مطرح است.^۲

در قسمت دیگر از سفر خروج آمده است:

«و خداوند به موسی فرمود که به هارون بگو که با عصایت، دست خود بر نهرها و رودها دراز کن و غوکها را به زمین مصر بیرون آور و هارون دست خود را بر آبهای مصر بلند کرد و غوکها بیرون آمدند و موسی و هارون این همه معجزات را در نظر فرعون بجا آوردند.»^۳

البته به این نکته نیز باید اذعان نمود که در جریان حضرت موسی و هارون گرچه در آیات قرآنی آنکه در ابتدا مورد خطاب قرار داده شده و نیز نامش مقدم ذکر شده حضرت موسی • است؛ اما این بدان معنا نیست که اختصاص به آن حضرت داشته باشد؛ چراکه در بسیاری از آیات مشاهده می‌شود، خداوند نام ایشان را توأمان ذکر نموده و در رابطه با آنها ضمائر مثنی به کار برده است. مثل آیه ۱۵ سوره شعرا که می‌فرماید: «قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ»؛ «فرمود: چنین نیست شما هر دو با آیات ما (برای هدایت آنها) بروید ما با شما هستیم و سخنانتان را می‌شنویم.»

از این آیه بدست می‌آید که موسی و هارون • هر دو دارای آیه (معجزه) از طرف خداوند بودند که با آن به سوی فرعونیان فرا خوانده شده‌اند.

خداوند می‌فرماید: «قَالَ سَنَنْشُدُ عَضْدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْعَالِيُونَ. فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّقْتَرَى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ»؛^۴ «فرمود: «به زودی بازویت را به اوسیله [برادرت نیرومند خواهیم کرد و برای شما هردو، تسلطی قرار خواهیم داد که با [وجود] آیات ما، به شما دست نخواهند یافت شما و هر که شما را پیروی کند چیره خواهید بود. پس چون موسی آیات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: «این جز

۱. خروج، ۸: ۱۹-۲۰.

۲. موریس بوکای، مقایسه‌ای میان تورات انجیل قرآن و علم، ترجمه مهندس دبیر، ص ۳۰۷.

۳. خروج، ۸: ۵-۶.

۴. قصص/۳۵-۳۶.

سحری ساختگی نیست و از پدران پیشین خود چنین [چیزی] ننشیده‌ایم.»
 با دقت در این دو آیه نیز به خوبی روشن است که خطاب خداوند در رابطه با آیات و معجزات الهی شامل هردو پیامبر یعنی موسی و هارون است؛ هرچند در آیه بعد چه بسا جهت اختصار یا قرینه از موسی • به تنهایی نام برده می‌شود.
 به هرصورت گرچه در آیات قرآنی به‌طور مشخص معجزه‌ای به هارون نسبت داده نشده؛ اما نمی‌توان ادعا کرد که آن حضرت دارای معجزه نبوده است و بعید نیست، همان‌طوری‌که در بیشتر بخش‌های عهدقدیم نیز این‌گونه آمده است حضرت هارون به درخواست موسی و به امر الهی معجزاتی را ارائه کرده باشد.

۲.۶. مأموریت هارون •

در حیات تبلیغی این پیامبر گرامی نخستین مطلبی که اذهان را به طرف خود معطوف می‌سازد حضور چشمگیر هارون • در روند دعوت موسی • است. هماهنگی و همراهی این دو رسول الهی به آن اندازه است که قرآن در موارد متعدد گفتارشان را با صیغه جمع بیان نموده و خطاب مردم با آنها را بصورت مثنی ذکر می‌فرماید.^۱
 موسی • چون مأموریت و دعوت فرعون را بر خود گران یافت از خداوند پشتیبانی و همراهی و مشارکت هارون نبی • را خواستار شد و پروردگار نیز دعای پیامبر بزرگوار خود را برای تحکیم دعوت و تکریم رسالت او پاسخ داد و به هارون که در مصر بود الهام کرد که به اقامتگاه برادر خود موسی رهسپار گردد تا در کار رسالت با وی شریک شود و مشکلات این مأموریت بزرگ را با وی تحمل نماید.
 هارون • امر خدا را پذیرفت و بسوی برادر خویش حرکت کرد و در جانب راست کوه طور خود را به برادرش رساند، خدا به موسی و برادرش وحی کرد که بسوی فرعون بروید و با بیانی نرم و لحنی ملایم با او سخن گوید تا پذیرش آن برای فرعون آسان‌تر باشد.^۲

اصل مأموریت هارون در همراهی موسی • برای دعوت فرعون به یکتاپرستی و هدایت قوم بنی‌اسرائیل مورد تأیید قرآن است و در گزارشات تورات نیز البته با تفاوت‌هایی در اجمال و تفصیل، مسایل و جزئیات آن بیان شده است.
 این مسئله از طریق روایات نیز قابل تأیید است. مثلاً عیاشی از یونس ابن‌طیبیان روایت می‌کند: هنگامی که موسی و هارون • برای ابلاغ مأموریت الهی خویش به

۱. رک: طه/۴۷، مؤمنون/۴۵، انبیاء/۴۸ و ...

۲. محمد احمد جاد المولی (و دیگران)، قصه‌های قرآن، ترجمه مصطفی زمانی، ص ۱۸۳.

نزد فرعون آمدند آنها می‌توانستند پیامبر خدا و برادرش را براحتی از میان ببرند؛ اما به توصیه اطرافیان، فرعون به آنها مهلت داد تا ادعای خویش را در جمع ساحران مصر به اثبات رسانند.^۱

۲.۷. جانشینی حضرت هارون

در قرآن کریم هیچ مسئله‌ای که مختص به آن حضرت باشد، به‌طور مستقل و جداگانه نیامده مگر همان جانشینی او برای برادرش در چهل‌روزی که حضرت موسی به میقات رفته بود و قرآن رفتن و بازگشت موسی • را به خوبی بیان کرده است.^۲ تورات در بخش نوزدهم تا سی و یکم سفر خروج از دین موسی سخن می‌گوید و در سفر سی و دوم داستان دین‌گردانی اسرائیلیان و روگردانی آنان از خداپرستی به گوساله‌پرستی را -نگاه که هنوز نوشته‌های خدایشان خشک نشده بود- یاد می‌کند. چون فرعون نابود می‌شود، موسی آن کتاب را از خدا درخواست می‌کند. خدا به امر می‌کند که سی‌روز، روزه بگیرد و چون روزه‌ها را به پایان می‌برد، کارها را به برادرش می‌سپرد و سفارش‌هایی را یادآوری می‌کند و خود به سوی کوه طور می‌رود.^۳ سپس خداوند امر می‌کند، دهر روز دیگر نیز آنجا باشد^۴ و در همین دهر روز است که بنی‌اسرائیل فریفته می‌شوند و فتنه می‌کنند و به این بهانه که سی‌روز گذشت و موسی نزد آنان بازنگشت، از دین روی برمی‌تابند،^۵ و ستمکار می‌شوند.^۶ اما قوم موسی در نبود او از زر و زیورشان تندیس گوساله‌ای را که بانگی (چون صدای گاو) داشت ساختند (و به پرستش گرفتند) و خداوند می‌گوید که آنان ستم‌پیشه بودند:

«وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورَاءٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يَكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ»^۷ «و قوم موسی پس از [عزیمت] او، از زیورهای خود مجسمه گوساله‌ای برای خود ساختند که صدای گاو داشت. آیا ندیدند

۱. نعمت‌الله جزایری، قصص الانبیاء یا سرگذشت پیامبران از آدم تا خاتم، ترجمه یوسف عزیزی، ص ۳۷۹، به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴.

۲. احمد امیری‌پور، تاریخ انبیاء از هبوط آدم تا پیامبر اسلام، ص ۱۸۵.

۳. تاریخ قصص قرآن، ص ۳۳۵.

۴. اعراف/۱۴۲.

۵. رک: زمخشری، الکشاف، ج ۲، ص ۱۵۱؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۱۵.

۶. بقره/۵۱.

۷. اعراف/۱۴۸.

که آن [گوساله] با ایشان سخن نمی‌گوید و راهی بدانها نمی‌نماید؟ آن را [به پرستش] گرفتند و ستمکار بودند.»

(سامری) برای آنان تندیس گوساله ساخت که بانگی داشت و می‌گفت این خدای شما و خدای موسی است:

«فَكَذَّبَكَ الْقَيِّ السَّامِرِيُّ. فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلاً جَسَداً لَهُ خُورَ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ»؛ «و بدین گونه سامری [زیورات قوم را در آتش] افکند. و [آنگاه آن بد سگال، پس از ذوب شدن زیورات، از آنها] گوساله‌ای برای آنان پدید آورد، پیکره‌ای [بی‌جان] که آهنگی [بسان صدای گاو] داشت. و [او و رهروان راه احمقانه‌اش به مردم] گفتند که: این خدای شما و خدای موسی است؛ و [بدین‌سان او پیمانش را] از باد برد.»

قرآن می‌فرماید: «و هارون از پیش به آنان گفت: ای قوم شما به این آزموده می‌شوید و پروردگار شما خدای رحمان است، پس مرا پیروی کنید و فرمان مرا به کار بندید. اما آنان که شوق گوساله‌پرستی کور و کرشان ساخته بود در پاسخ گفتند: هرگز از پرستش آن دست بر نمی‌داریم تا موسی نزد ما بازگردد.»^۱

«و چون موسی خشمگین و اندوهگین نزد قوم خود بازگشت گفت در نبود من چه بدجانشینی بودید! چرا شتاب کردید و بر فرمان خدایتان پیشی گرفتید و الواح را انداخت و سر برادر را گرفت و بسوی خود کشید (هارون گفت) ای پسر مادرم، قوم مرا خوار و زبون کردند و نزدیک بود مرا بکشند پس مرا دشمن شاد مکن و از این گروه ستمکار مشمار.»^۲

تورات در این بخش از داستان هارون سخت لغزیده و به بیراهه رفته است؛ چراکه سازنده گوساله و گمراه‌کننده اسرائیلیان در نبود موسی • را نه سامری بلکه هارون • ذکر می‌کند!

در این باره در سفر خروج می‌خوانیم:

«و چون قوم دیدند که موسی • در فرود آمدن از کوه تأخیر نمود نزد هارون جمع شدند و او را گفتند: برخیز و برای ما خدایان بساز که پیش روی ما بخرامند؛ زیرا این مرد (موسی) که ما را از زمین مصر بیرون آورد نمی‌دانیم او را چه شده است. هارون پریشان گفت: گوشواره‌های طلا که در گوش زنان و پسران و دختران شما است بیرون

۱. طه/۹۰-۹۱.

۲. اعراف/۱۵۰.

کرده و نزد من بیاورید؛ پس تمام قوم گوشوارهای زرین را که در گوش‌های ایشان بود بیرون کرده و نزد هارون آوردند، او آنها را از دست ایشان گرفت و آن را با قلم نقش کرد و از آن گوساله‌ای ریخته‌شده ساخت و ایشان گفتند ای اسرائیل! این خدایان تو می‌باشند که تو را از زمین مصر بیرون آوردند.^۱

و در همین سفر می‌خوانیم:

«موسی • به هارون گفت: این قوم به تو چه کرده بودند که گناه عظیمی بر ایشان آوردی؟ هارون گفت: خشم آقايم افروخته نشود تو این قوم را می‌شناسی که مایل به بدی می‌باشند و به من گفتند: برای ما خدایان بساز که پیش روی ما بخرامند و بدیشان گفتیم که هر که طلا دارد نزد من آورد و آن را در آتش انداختم و این گوساله بیرون آمد.»^۲

و جای تعجب است که نویسندگان تورات چگونه فراموش کردند که هارون برادر موسی • خود پیامبر و فرستاده خدا است و یاور و همکار موسی و نماینده و جانشین اوست و چنین برگزیده بزرگواری به هیچ‌روی نمی‌تواند گوساله‌ای بسازد و مردمی را که خود و برادرش با هزاردشواری و سختی به خدا خوانده‌اند به بت‌پرستی دعوت کند!^۳ و اما در رابطه با اینکه چرا موسی • با خشم سر و ریش هارون را گرفت، در روایتی امام صادق • در پاسخ به سؤالی که سالم در این رابطه پرسید می‌فرماید: «موسی برای این موی او را گرفت چرا که بنی اسرائیل گوساله پرستیدند هارون از آنها جدا نشده و به موسی ملحق نگردیده که اگر هارون از آنها جدا می‌شد عذاب بر بنی اسرائیل نازل می‌شد. نمی‌بینی که موسی گفت: ای هارون تو را چه مانع شد هنگامی که آنها را دیدی که منحرف شدند به دنبال من نیامدی؟ و هارون در پاسخ می‌گوید: اگر چنین می‌کردم بنی اسرائیل پراکنده می‌شدند و ترسیدم که به من بگویی در میان آنها تفرقه‌انداختی و سخن مرا درباره هدایت آنها رعایت نکردی.»^۴

۳. فوت هارون •

درباره مدت عمر هارون و همچنین چگونگی کیفیت وفات ایشان اختلاف است.

۱. خروج، ۳۲: ۱-۸.

۲. خروج، ۳۲: ۲۱-۲۴؛ برای بیشتر رک: دنیز ماسون، قرآن و کتاب مقدس، ترجمه فاطمه‌مسادات تهامی، ص ۴۹۵-۴۹۸.

۳. بررسی تاریخ قصص قرآن، ص ۳۴۴.

۴. شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۶۸ و جابر رضوانی، تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم، ص ۴۲۴.

هارون که همواره یار و یاور موسی بود سرانجام در بیابان تیه قبل از رسیدن به سرزمین مقدس که بنی اسرائیل را به کوه هور در طور سینا می‌رساند، از دنیا رفت و در همان جا توسط موسی • دفن شد و برادر را در سوگ خود نشانده. البته برخی نیز در رابطه با محل دفن هارون، کوه مران و وموات را نیز ذکر کردند. در روایت است هنگامی که خداوند هارون را قبض روح کرد موسی • گریه کرد و گفت: پروردگارا! برادرم را از من گرفتی و مرا تنها و افسرده گذاشتی به عزت و جلالت سوگند که شفاعت مرا درباره او قبول نمایی، خداوند وحی نمود تو تنها نیستی من مونس و همراه توام. افسرده مباش که من همنشین توام به عزت و جلالم سوگند که درباره ثقلین شفاعت نمایی می‌پذیرم مگر کشنده حسین بن علی • که نصف عذاب اهل آتش از برای اوست.^۱

نتیجه

با توجه به مطالعه تطبیقی آنچه گذشت، مواردی از تفاوت‌های قرآن و تورات را در رابطه با حضرت هارون • دیدیم که به‌طور خلاصه در زیر می‌آید:

۱. در تورات این پروردگار است که از موسی می‌خواهد تا به برادرش هارون پناه ببرد؛ حال آنکه در قرآن کریم موسی • از آن‌رو که برادرش بیانی شیوا و کلامی رسا داشته، از خدا برای وی طلب نبوت نموده و خدا نیز دعای او را مستجاب می‌کند.
۲. فقط در قرآن آمده که فرعون خود را خدا می‌پنداشت و همین امر، سدی بزرگ در راه ایمان آوردن او به موسی و خدای موسی بود و جای تعجب است که در تورات، داستان وارونه است و موسی را خدای فرعون و هارون را پیامبر موسی می‌گوید. (خروج ۷: ۱-۲)
۳. در قرآن، موسی و هارون بسوی فرعون و ملاش می‌روند؛ ولی در تورات، فقط گفته که بسوی فرعون روانه می‌شوند.
۴. در قرآن، اطلاعاتی در مورد سن هارون هنگام مراجعه به فرعون ذکر نشده؛ اما در تورات آمده است که سن او در آن هنگام ۸۳ سال بوده است.
۵. در قرآن برای هارون • معجزه‌ای ذکر نشده؛ در حالی که در تورات، هارون مثل موسی معجزه می‌کند.
۶. در تورات، این هارون است که عصا را می‌اندازد و تبدیل به مار می‌گردد؛ اما در

۱. ابن‌جمهور احسانی، عوالی‌اللاتی، ج ۴، ص ۹۲.

قرآن موسی • است.

۷. در جریان هلاکت فرعون و لشکریانش در تورات، سخن از سرود مریم نبی(خواهر هارون) و دافزدن و رقصیدن او و به تبع او رقصیدن دیگر زنان است؛ اما در قرآن سخنی از آن به میان نیامده است.(خروج، ۱۵: ۱-۲۱)

۸. در تورات، سخن از جنگ با عملیقی‌ها که هارون نیز در آن نقش داشته، به تفصیل بیان شده؛ ولی در قرآن نیامده است.(خروج، ۱۷: ۸-۱۶)

۹. هر دو کتاب در گوساله‌پرستی قوم در جریان کوه طور مشترکند، با این تفاوت که تورات، این کار را به هارون نسبت می‌دهد؛ اما در قرآن، هارون را در این جریان، نصیحت‌گر قوم معرفی نموده و کار را به سامری نسبت می‌دهد.

منابع

- قرآن کریم.
کتاب مقدس.
۱. ابن‌جمهور احسانی، عوالی‌اللائمی، نشر سید الشهداء، قم، ۱۴۰۵ق.
 ۲. اکبریور، حبیب‌الله، از آدم صلی‌الله تا محمد رسول‌الله (قصه‌های قرآن)، نشر الف، مشهد، ۱۳۸۴ش.
 ۳. امیری‌پور، احمد، تاریخ انبیاء از هبوط آدم تا پیامبر اسلام، ترنم، مشهد، ۱۳۸۱ش.
 ۴. بوکای، موریس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس دبیر، نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
 ۵. بیومی‌مهران، محمد، بررسی تاریخ قصص در قرآن، مترجم سید محمد راستگو، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
 ۶. جاد المولی، محمد احمد (و دیگران)، قصه‌های قرآن، ترجمه مصطفی زمانی، پژواک اندیشه، قم، ۱۳۷۹ش.
 ۷. جزایری، نعمت‌الله، قصص الانبیاء یا سرگذشت پیامبران از آدم تا خاتم، ترجمه یوسف عزیزی، هاد، تهران، ۱۳۷۵ش.
- © ± 1/2 ۳ ۸ ۵ ۷ ۶ ۱ ۰ () © © © ©
۹. رضوانی، جابر، تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم، جهان‌آرا، تهران، ۱۳۸۵ش.
 ۱۰. شبستری، سید عبدالحسین، اعلام‌القرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیّه قم، قم، ۱۳۷۹ش.

۱۱. شیخ صدوق، علل الشرایع، مکتب الداوری، قم، بی تا.
۱۲. ———، کمال الدین، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۵ق.
۱۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، دارالکتب، قم، ۱۳۶۷ش.
۱۴. قدس میرحیدری، جعفر، تاریخ انبیاء (قصص القرآن) از آدم تا خاتم، انتشارات تهران، تهران، ۱۳۸۴ش.
۱۵. ماسون، دنیز، قرآن و کتاب مقدس، ترجمه فاطمه سادات تهامی، نشر سهروردی، تهران، ۱۳۷۹ش.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ق.
۱۷. ———، تاریخ پیامبران و بعضی قصه‌های آنان، نشر سرور، ۱۳۷۶ش.